



کارگران جهان متحد شوید!

شماره ۷۷ - آذر ۱۳۸۶



سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۱۶ آذر

**« ۱۶ آذر در خیابان آگاهی مقاومت میکند »
گام دیگری به پیش دانشجویان مبارز!**

مراسم ۱۶ آذر برغم تشدد جوپلیسی در دانشگاه ها و دستگیری و ضرب و شتم دانشجویان برگزار شد و دانشجویان با دادن شعارها و طرح خواست ها و مطالبات خود و دیگر اقشار جامعه نشان دادند که تشدید سرکوب و فریب و نیرنگ دیگر نمیتواند آنها را از مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه شان بازدارد. مبارزات دانشجویان از مبارزه کارگران ، زحمتکشان زنان و جوانان برای بدست آوردن آزادی و برقراری جامعه ای عاری از ستم و استثمار و زور سرکوب جدا نیست. این مبارزات در هر حال و شرایطی تا پیروزی نهائی براحریمین ارتجاع و نظام استثمارگر و غارتگر موجود ادامه خواهد یافت و دانشجویان بعنوان قشر جوان و آگاه جامعه همواره پیشاپیش جنبشهای اجتماعی حرکت کرده و در ارتقای سطح کمی و کیفی و گسترش آگاهی و سازمانیابی آنها خواهند کوشید. وظیفه همه احزاب، سازمانها و انسانیهای آزادیخواه است که با حمایت از دانشجویان مبارز خواستار آزادی بی قید و شرط دستگیرشدگان شوند. در زیر چند گزارش از روند برگزاری این مراسم را ملاحظه کنید. این موج را سر بازایستادن نیست!



گزارش ارسالی از مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه تهران

نشریه دانشجویی بذر

علیرغم فضای رعب و وحشت و جو نظامی امنیتی سنگینی که رژیم طی هفته گذشته بوجود آورده و علیرغم دستگیری چند ده تن از فعالین جنبش دانشجویی و علیرغم کنترل شدید رفت و آمد دانشجویان به دانشگاه و بازرسی کارت تک تک دانشجویان و دستگیری عده ای دیگر از فعالین دانشجویی، مراسم ۱۶ آذر امروز در دانشگاه تهران پیروزمندانه برگزار شد. **در صفحه ۴**

شانزدهم آذر فرا میرسد. پنجاه و چهارمین سالگرد جان باختن دانشجویان انقلابی دانشگاه تهران، شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا در تظاهرات ضد امریکائی و ضد رژیم تهران. واقعه ای که در تاریخ مبارزات دانشجویی بعنوان روز دانشجو نام گذاری شد. از آن پس دانشجویان مبارز در سرتاسر ایران همه ساله این روز تاریخی را با تعطیل کلاسها و طرح مطالبات و خواست های صنفی، دموکراتیک انقلابی و سوسیالیستی خود گرامی میدارند. **ادامه از صفحه ۲**

« از این پس سازمانهای سیاسی عضو اتحاد

چپ کارگری نمیشند »

اخیرا در نشست هیات هماهنگی و فعالین اتحاد چپ کارگری در باره تناقض موجود در ساختار اتحاد چپ کارگری (ناروشن بودن موقعیت سازمانهای سیاسی با وجود فردی بودن عضویت به شکل یک فرد یک رای.. که از مدتها قبل فکر فعالین آن را بخود مشغول کرده بود، نقطه پایان نهاد. و اعلام نمود که .. « از این پس سازمانهای سیاسی بمتابه سازمان عضو اتحاد چپ کارگری نمی باشند و اتحاد چپ کارگری ایران متشکل از فعالینی خواهد بود که با قبول **ادامه در صفحه ۲**



برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

«۱۶ آذر در خیابان آگاهی مقاومت میکند» گام دیگری به پیش دانشجویان مبارز!

در زمان سلطنت پهلوی، آکسیونهای مبارزاتی دانشجویان در ۱۶ آذر هر سال ضمن تسریع روند پیوند جنبش دانشجویی با جنبشهای اجتماعی و انقلابی سایر بخشهای جامعه، بویژه جنبش کارگری، دانشگاه را به یکی از مراکز مهم تشکل و جنب و جوش علیه رژیم شاه تبدیل کرد.

با حماسه سیاهکل، تشکیل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و آغاز جنبش مسلحانه کیفیت نوینی وارد مبارزات دانشجویی و دانشگاهیان شد. حضور وسیع دانشجویان انقلابی در ساختار سازمانهای انقلابی نشانگر تأثیرات ژرف این جنبش بر این قشر جوان و آگاه اجتماعی بود. انعکاس مبارزات انقلابی در هنر و ادبیات و گفتمان سیاسی و اجتماعی در دوران قیام، دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و مدارس را به یکی از مهمترین مراکز مبارزه علیه رژیم و به محل سازماندهی حرکت های انقلابی تبدیل نمود.

بدنیال به قدرت خزیدن ارتجاع اسلامی، دانشگاه ها بمتابه میادین و سنگرهای مبارزه انقلابی با جهل و خرافه پرستی و محل مبارزه آگاهی علیه ارتجاع تبدیل شد. نیروهای مرتجع و سیاه جامعه برای تثبیت موقعیت خود و شکست کامل قیام همزمان با یورش به دست آوردهای قیام مسلحانه توده های مردم، دانشگاه ها و دانشجویان آگاه و مبارز را از اولین اهداف سرکوبگریهای خود قرار دادند و طولی نکشید که دانشگاه ها در معرض یورش و سرکوب اوباشان رژیم تازه به قدرت رسیده قرار گرفتند. در جریان این سرکوبگریها صدها نفر از دانشجویان مبارز جان باختند و صدها نفر دستگیر و به شکنجه گاه ها فرستاده شدند. اما برغم این سرکوبگریها دانشجویان از پای نشستند و به طرق مختلف دست به مبارزه و مقاومت زدند. مرتجعین و دشمنان آزادی این بار فرمان بستن دانشگاه ها و تصفیه دانشجویان و استادان آزادیخواه و انقلابی را صادر نمودند با این هدف که با پرکردن دانشگاه ها یا جوانان برگزیده و وابسته بخود کنترل کامل آن را در دست گرفته و دانشگاه را به مرکز آزادی ستیزی و اشاعه جهل و خرافات تبدیل کنند. هرچند که با پیش برد این سیاست هزاران دانشجو، دانش آموز و استاد از صحنه دانشگاه ها و مدارس عالی به زور و اجبار رانده شدند و چند صباهی دانشگاه ها به قرق عوامل ارتجاع حاکم درآمدند اما طولی نکشید که طلایه های آزادیخواهی و برابری طلبی در افق دانشگاه ها

نمایان شد. و دانشجویان خیلی زود به ماهیت رژیم حاکم و عامل ادبار توده های زحمتکش مردم پی بردند و امروز دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به میدان نبرد سپاه آزادی با سپاه سیاه ارتجاع حاکم تبدیل شده است و شانزده آذرها با آرمانهای انسانی آزادی، برابری و سوسیالیسم بار دیگر جایگاه شایسته خود در دانشگاه ها و میان دانشجویان را بازیافته است.

دانشجویان مبارز

امروز در شرایطی به پیشواز ۱۶ آذر میرویم که از یکسو تحریم اقتصادی و خطر حمله نظامی و جنگ هستی اجتماعی جامعه را تهدید میکند و از سوی دیگر سردمداران رژیم به بهانه «رویارویی با آمریکا» سرکوب جنبش های اجتماعی را تشدید و دامنه سرکوب و ضرب و شتم فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را گسترده تر کرده اند.

در این تردیدی نیست که امپریالیسم آمریکا در راستای پیاده کردن استراتژی خاورمیانه ای خود در پی ایجاد تغییر و تحولات در منطقه از آن جمله در ایران است علاوه بر آن روند جهانی سازی و نئولیبرالیسم و مقررات سرمایه جهانی نیز تغییرات ساختاری را در نظام موجود ایران دیکته میکند. اما خطر بزرگتر برای امپریالیسم آمریکا و سرمایه جهانی رشد و ارتقای سطح جنبش های اجتماعی در ایران است که بعد از یک قیام توده ای مسلحانه و با پشت سر گذاشتن تجربه حکومت ارتجاعی و مذهبی اسلامی روز به روز به سمت رادیکال تر شدن و طبقاتی شدن پیش میرود. جنبشی که در صورت تداوم و پیروزی در ایران میتواند منویات سرمایه جهانی را در ایران و منطقه وحتى در سطح جهان با خطر جدی مواجه سازد. از این رو جمهوری اسلامی میکوشد نشان دهد که در اجرای قوانین و مقررات جهانی سازی و حفظ امنیت سرمایه و سرکوب جنبش های اجتماعی رادیکال شایسته آن است که از طرف امپریالیست ها و بطور کلی سرمایه جهانی به رسمیت شناخته شده و بقایش تضمین گردد. بنا بر این ضمن هشاری و مبارزه علیه سیاست های تجاوزکارانه و سلطه طلبانه امپریالیستی در ایران و منطقه میباید احتمال ساخت و پاخت بین امپریالیسم آمریکا و رژیم حاکم را هم از نظر دور نداشت. زیرا هم سردمداران سرمایه جهانی و امپریالیسم آمریکا و هم طبقه سرمایه دار و دولت اسلامی آن در ایران به یک اندازه دشمن جنبشهای اجتماعی و رادیکال در ایران هستند.

باید با هشاری تمام تاکتیک های مختلف رژیم و جناح های مختلف آن را مورد ارزیابی قرار داد، و از مصادره بمطلوب جنبش های

با توجه به اوضاع داخلی و بین المللی ایران، وظایف سنگینی بر عهده جنبش دانشجویی قرار گرفته است. میباید در برابر فشار و سرکوب رژیم در دانشگاه ها و هر جای دیگری ایستاد و تهاجم آنها را به عقب راند. این امر زمانی قرین موفقیت خواهد بود و ادامه کاری خود را حفظ خواهد کرد که دانشجویان نیز مثل سایر جنبشهای انقلابی و اجتماعی وحدت و انسجام خود را در زیر پرچم مبارزه برای تحقق خواست های رادیکال دانشجویان و پیوند آنها با خواست ها و مطالبات دیگر جنبشهای اجتماعی بویژه جنبش کارگری متحد سازند. روند مبارزه طبقاتی در جامعه بناگزیار جنبش اصیل و انقلابی دانشجویی را از چهارچوب محیط دانشگاه ها و خواست های مربوط به آن فراتر برده و با ضربان نبض جنبش کارگری، زنان، جوانان و ملیت های تحت ستم و استثمار هماهنگ کرده و خواهد کرد. یا گرامی داشت پنجاه و چهارمین سالگرد ۱۶ آذر، یاد و خاطره همه دانشجویان انقلابی که طی این سالها در سنگر مبارزه بخاطر آزادی، آگاهی و سوسیالیسم جان فدا کردند را با تشدید مبارزه و مقاومت در برابر ارتجاع حاکم پاس داریم.

« ۱۶ آذر در خیابان آگاهی مقاومت میکند»

گام دیگری به پیش دانشجویان مبارز!

«از این پس سازمانهای سیاسی عضو اتحاد چپ کارگری نمیباشند»

برنامه و مصوبات مجمع عمومی آن به صورت فردی به عضویت آن درمیایند. این قاعده شامل افراد عضو سازمانهای سیاسی نیز میشود که در صورت تمایل میتوانند بصورت فردی در خواست عضویت نموده و طبق قواعد جاری به عضویت اتحاد چپ کارگری درآیند.»

بنظر ما این تصمیم نشست فعالین اتحاد چپ کارگری تصمیمی معقول و منطقی است که به تناقض موجود در ساختار اتحاد چپ کارگری و موقعیت سازمانهای سیاسی در آن پایان میدهد. لازم به توضیح است که شورای مرکزی سازمان ما براساس مصوبه کنگره چهارم در جهت حل منطقی این موضوع، طی مکاتباتی که با هیات هماهنگی اتحاد چپ کارگری داشت قبل از این خواستار حذف نام سازمان از لیست سازمانهای موجود در اتحاد چپ کارگری شده بود. نامه ضمیمه است (۱)

در تدارک نشست وسیع فعالین اتحاد چپ کارگری

در تاریخ ۱۳ آذر ماه ۱۳۸۶ برابر با ۴ دسامبر ۲۰۰۷ در نشست هیات هماهنگی و عده ای از فعالین اتحاد چپ کارگری مقرر گردید. نظریه اینکه:

الف- تغییر ساختار "

اتحاد چپ کارگری، امر عضویت را به شکل یک فرد یک رای پذیرفته است، لذا از این پس سازمانهای سیاسی بمتابیه سازمان عضو اتحاد چپ کارگری نمی باشند و اتحاد چپ کارگری ایران متشکل از فعالینی خواهد بود که با قبول برنامه و مصوبات مجمع عمومی آن به صورت فردی به عضویت آن درمیایند. این قاعده شامل افراد عضو سازمانهای سیاسی نیز میشود که در صورت تمایل میتوانند بصورت فردی در خواست عضویت نموده و طبق قواعد جاری به عضویت اتحاد چپ کارگری درآیند

ب- تدارک مجمع عمومی هفتم: نشست تصمیم گرفت برگزاری مجمع عمومی آتی را در دستور کار قرار دهد. بدین منظور هیات هماهنگی موظف است تا برای سازماندهی برگزاری مجمع عمومی اقدامات لازم را بعمل آورد.

تم های پیشنهادی برای آغاز مباحث تدارک و برگزاری نشست وسیع فعالین اتحاد چپ کارگری به شرح زیر می باشد:

۱- مباحثه و تدوین سند پایه بحث از اوضاع عمومی ایران، منطقه و جهان

۲- بررسی فعالیت های اتحاد چپ کارگری در فاصله دو مجمع عمومی، ارزیابی از نقاط ضعف و قوت آن در هر دو عرصه سیاسی و تشکیلاتی و ارائه راه کارهای لازم.

۳- موقعیت جنبش کارگری پیشروی، موانع و راه کارها.

۴- موقعیت جنبش دانشجویی، زنان، جوانان و ملیت های تحت ستم

۵- تعیین عمده ترین تاکتیک ها، شعارها و محور های اصلی فعالیت اتحاد در دوره بعد

۶- تهیه قطعنامه های پیشنهادی ضرور بر مبنای ارزیابی ها و تحلیلهای انجام گرفته

هیئت هماهنگی با باز کردن ستونی مختص این مباحث در سایت اتحاد چپ کارگری، مباحث علنی را سازماندهی خواهد کرد.

هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری
۵ دسامبر ۲۰۰۷

(۱)

نامه به:

هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری ایران بادرودهای گرم

رفقا در پی درخواست ما برای برگزاری نشستی مشترک بمنظور بحث و تبادل نظر حول موقعیت فعلی و آینده اتحاد چپ و اعلام نظر ما در این باره و جواب مثبت شما به این درخواست، متأسفانه تاکنون امکان این نشست فراهم نگردیده است. درحالیته نشست مشترکی که بعد از سمینار اتحاد چپ در گوتنبرگ با حضور رفقای از راه کارگر و اتحاد فدائیان کمونیست و رفقا امیر ویدی از هیئت هماهنگی اتحاد چپ داشتیم، فرصتی دست داد تا نظر خودمان را در مورد پروژه اتحاد چپ (با تاکید بر تمایل به شرکت در نشست مشترک ویا مجمع عمومی آینده)، با این رفقا در میان بگذاریم.

نظر ما این بوده و هست که با توجه به موقعیت سازمانهای سیاسی و نقش آنها در فعالیتهای اتحاد چپ کارگری و باتوجه به اینکه اصولاً مصوبات اتحاد بر مبنای رای افراد عضو آن پیش برده میشود و عضویت در آن فردی است، لذا حضور اسمی و رسمی سازمانهای سیاسی در این اتحاد موضوعیتی ندارد. از این رو تصمیم گرفتیم به حضور خود در لیست سازمانهای موجود در اتحاد چپ کارگری پایان دهیم و از شما هم درخواست میکنیم از این تاریخ نام سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

را از این لیست حذف کنید. واضح است که اعضای سازمان ما هم در صورت تمایل نظیر دیگر اعضای اتحاد میتوانند بعنوان یک فرد به عضویت آن درآمده و به فعالیت خود در اتحاد چپ کارگری ادامه دهند.

رفقا

ما هم از شمار بنیانگزاران اتحاد چپ کارگری هستیم و به اتفاق سایر فعالین این اتحاد به امید اینکه قدمی در راه پایان دادن به تشتت و پراکندگی جنبش کمونیستی برداشته باشیم و به امید اینکه بتوانیم با پایه ریزی این اتحاد نیروهای مدافع سوسیالیسم و جنبش کارگری را متحد کرده و به نیازهای جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه جامعه مان پاسخ داده و جای خالی الئرناتیو سوسیالیستی در جنبش انقلابی را پر بکنیم، در این پروژه شرکت کردیم و در حد نیرو و توانائی خود برای پیشبرد اهداف و برنامه ان تلاش نمودیم. برخورد به نقاط قوت و ضعف فعالیت اتحاد چپ کارگری و تحلیل موقعیت فعلی آن بر عهده ما نیز هست که امید داریم در فرصتهای دیگر به آن بپردازیم و بویژه ما برگزاری هر چه سریعتر مجمع عمومی را به رفقا توصیه میکنیم و مایلیم با شرکت در این مجمع با نظرات دیگر فعالین آشنا بشویم و نظرات خودمان را هم با آنها در میان بگذاریم. اما تذکر این موضوع را نیز ضروری میدانیم که بعنوان یک سازمان مسئول خود را در ضعف و قوت های این پروژه در ابعادی که مشارکت فعال داشتیم شریک و سهیم میدانیم. و مادامی که این اتحاد مدافع پلاتفرمی انقلابی و سوسیالیستی بوده باشد و در جهت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی مبارزه کند، علیرغم اینکه در این ویا آن مورد اختلاف نظر داشته باشیم از آن پشتیبانی خواهیم نمود و از آنجائیکه اتحادها واهدافی که مشترکا برای آنها تلاش کردیم بر ضرورت خود باقیست، امید داریم تجربیات تاکنونی اتحاد چپ و فعالیت مشترک رهنمون ادامه تلاشها وره یافت های مناسب و موفقیت آمیز در این جهت باشد.

بادرودهای مجدد و آرزوی موفقیت

شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۱۷ مرداد ماه ۱۳۸۶ / ۸ اوت ۲۰۰۷

دانشجویان مبارز با جسارت و شهامت خود نگذاشتند به دلیل بازداشت‌های گسترده دانشگاه بی صدا بماند. صدای مبارزه، صدای چپ، صدای مخالفت با استبداد داخلی و دخالت خارجی در دانشگاه طنین افکن شد. جنبش دانشجویی ایران یک بار دیگر عزم خود را در ادامه مبارزه رادیکال و سازش ناپذیر نشان داد و تسلیم فضای سرکوب و خفقان نشد. تجمع ما ساعت ۱۲ ظهر در مقابل دانشکده فنی آغاز شد. نخست بیانیه دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب دانشگاه های تهران به مناسبت شانزده آذر توسط یکی از دانشجویان خوانده شد. سپس یکی دیگر از دانشجویان در باره معضلات جنبش دانشجویی و جو سرکوب فعالان دانشجویی و لزوم پیوند این جنبش با دیگر جنبش های مردمی صحبت کرد. او خواهان آزادی فوری کلیه دانشجویان بازداشتی و فعالین بازداشت شده دیگر جنبشها شد. در تربیون آزادی که برگزار شد سخنرانان بعدی یکی پس از دیگری سیاستهای سرکوبگرانه حکومت را افشا کردند. کلیه سخنرانان معترض بودند و شفاف و روشن افشاگری می کردند. آنان خواهان آزادی یاران در بند شدند. پس از سخنرانی ها دانشجویان به سرودخوانی پرداختند و راهپیمائی خود را در محوطه دانشگاه آغاز کردند. پلاکاردهائی که در دست داشتند علیه جنگ و دیکتاتوری بود. پلاکاردهائی چون:

"ما با هرگونه دخالت خارجی مخالفیم"

"No War"

"جنبش دانشجویی از جنبش کارگری حمایت می کند
جنبش دانشجویی متحد جنبش زنان و جنبش کارگری"

در حین راهپیمائی دانشجویان شعار می دادند:

"دانشجوی سیاسی آزاد باید گردد"

"زندانی سیاسی آزاد باید گردد"

"آزادی، مساوات، تحریم انتخابات"

"شرکت در انتخابات - خیانت، خیانت"

"حکومت زور نمی خوایم، پلیس مزدور نمی خوایم"

"مرگ بر دیکتاتور"

"دانشجو، دانشجو، حمایت! حمایت!"

"دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد"

زمانی که صف چند صد نفره تظاهر کننده به جلوی در اصلی دانشگاه رسیدند. تعدادی از پوستر نشریه دانشجویی بدر که به مناسبت

۱۶ آذر تهیه شده بود در میان جمعیت پخش شد و نسخه بزرگی از آن در دست گرفته شد. این پوستر توجه زیادی بخود جلب کرد. بویژه آنکه آن سمت درب اصلی دانشگاه خبرنگاران و عکاسان زیادی تجمع کرده بودند.

نکته دیگر قابل توجه این بود که بسیاری از دختران شرکت کننده در تظاهرات چهره های خود را پوشانده بودند. یکی از دختران دانشجو در اعتراض به وضعیت زنان در ایران چهره خود را با برقع پوشانده بود.

رژیم برای جلوگیری از انعکاس تظاهرات دانشجویان در بین مردم، اتوبوسهائی گرداگرد دانشگاه پارک کرد تا مردم نتوانند تظاهرات دانشجویان را نظاره کنند. ماموران رژیم حتی به مردم اجازه نمی دادند که در پیاده روهای کنار دانشگاه توقف کنند.

تظاهرات تا ساعت یک و نیم بعد از ظهر ادامه یافت و دانشجویان با چسباندن پلاکاردها و پوسترهای خود بر نرده های دانشگاه پراکنده شدند. گفته می شود که پس از تظاهرات نیز چند تن از دانشجویان دستگیر شده اند و از سرنوشت شان خبری نیست.

کلیه دانشجویان شرکت کننده در تظاهرات عزم کردند که مراسم ۱۶ آذر را به اشکال گوناگون در دانشگاههای مختلف تا هفته آینده برگزار کنند. مبارزه برای گرامیداشت ۱۶ آذر ادامه دارد. این موج را سر بازایستادن نیست. "گر تیر و فتنه بارد، جنبش ادامه دارد!"

اخبار دیگر:

همزمان در دانشگاه بوعلی سینا همدان نیز تجمعی به مناسبت ۱۶ آذر برگزار شد. که در آن دانشجویان ضمن محکوم کردن دستگیری و شکنجه دانشجویان پلی تکنیک، خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی دانشجویان زندانی شدند.

در دانشگاه اصفهان نیز بیش از ۱۰۰ نفر از دانشجویان با در دست داشتن پلاکاردهایی که شعارهایی نظیر « حکم اعدام عدنان حسن پور باطل باید گردد»، «دانشجوی سیاسی آزاد باید گردد»، «رئیس انتصابی! استعفا استعفا» در این دانشگاه تظاهرات کردند. روز گذشته نیز تظاهرات ۱۵۰۰ نفره ای علیه فضای استبدادی این دانشگاه برگزار شده بود.

در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه نیز تجمع و تربیون آزادی به مناسبت روز دانشجو برگزار شد.

رژیم علاوه بر بازداشت مستقیم فعالین دانشجویی از طریق تلفن نیز با بسیاری از خانواده های دانشجویان تماس گرفته بود و از آنها خواسته بود که مانع حضور فرزندانشان در تظاهرات شوند.

رژیم بسیاری از فعالین دانشجویی را تلفنی احضار کرده بود. رژیم آن دسته از دانشجویانی که خود را معرفی کردند را سریعاً بازداشت می کرد، انهایی که خود را معرفی نکردند یا در خیابان یا دانشکده یا خانه بازداشت می کرد. هنوز موفق به دستگیری همه احضار شدگان نشده است. بسیاری از فعالین چپ دانشگاه پلی تکنیک و فعالین چپ کارگری و رادیکال تا کنون بازداشت شده اند. علیرغم دستگیریهای گسترده دانشجویان تسلیم نشدند و توانستند پرچم ۱۶ آذر را برافراشته نگاه دارند.

به برخی از فعالین بازداشت شده اتهام حمل مواد مخدر زده شد.

فعالین دانشجویی خواسته اند که به ای میلهای دانشجویان دستگیر شده مطلبی ارسال نشود و با تلفن یا آدی های کامپیوتری شان نیز تماسی گرفته نشود.

همچنین بدون اطمینان، خبر دستگیری کسی را درج نکنند. این بی دقتی ها به سنگین کردن فضا کمک میکند.

از ساعت ۱۲ تا ۱۲:۳۰

خبرهای رسیده از مقابل دانشکده فنی حاکمیت که علیرغم تدابیر شدید امنیتی و انتظامی تعداد زیادی از دانشجویان گرد هم آمده و مشغول سخنرانی می باشند. گزارشگران سلام دمکرات خبر می دهند که به علت جو نظامی موجود و پرهیز از درگیری و دادن بازداشتی بیشتر دانشجویان از بالا بردن پلاکارد و دادن شعار تا این لحظه خودداری کرده اند.

گزارشگران ما همچنین از دشواری انتقال خبر گفته و حساسیت شدید نیروهای سرکوبگر حاضر به مکالمات تلفنی شان را گوشزد کرده اند و معتقدند که در صورت طولانی شدن این مکالمات احتمال شناسایی و بازداشت شان می رود.

۱۲:۳۰ تا ۱:۰۰ بعداز ظهر

طبق آخرین گزارشات تعداد شرکت کنندگان در این تجمع تا کنون به ۶۰۰ نفر رسیده است. همچنین دانشجویان موفق شده اند تا پلاکاردهایی به حمایت از جنبش کارگری بالا ببرند. سخنران اول بیانیه دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب را قرائت کرده است و سائیتی را که پیوند دهنده ی مخالفان جنگ احتمالی

آمریکا علیه ایران در سراسر جهان می باشد، معرفی نموده است. سخنران دوم توجه خود را به معضلات جنبش دانشجویی و جو سرکوب فعالان دانشجویی و لزوم پیوند این جنبش با دیگر جنبش های اجتماعی اختصاص داده و خواهان تشکیل تشکلات مستقل دانشجویی در پیوند با خواست های توده ی دانشجویان و آزادی فوری دستگیر شدگان کلیه جنبش های اجتماعی بخصوص فعالین کارگری و دانشجویان چپ شده است. سخنرانان بعدی نیز به افشاء سیاست سرکوب حکومتی و مقاومت جنبش دانشجویی پرداخته اند.

خبرهای آوای دانشگاه

از ساعت ۱۲ تا ۱۳

در ادامه موج بازداشت گسترده دانشجویان و فعالان چپ موج این بازداشت ها به درون دانشگاه نیز رسید. در حدود ساعت ۱۲ و در حین آغاز تدارک شروع تجمع چند تن دیگر از دانشجویان در درون دانشگاه بازداشت شدند. که تاکنون نام ۳ تن از آنان (حسین بابایی، روزبه فقیهی، کریم اسایش) به دست "آوای دانشگاه" رسیده است.

با توجه به جو سرکوب و بازداشت گسترده دانشجویان امکان خبر رسانی به سختی از درون دانشگاه ممکن است. با این وجود اخبار تایید نشده ای حاکی از آن است که جمعی از دانشجویان توانسته اند در مقابل دانشکده فنی تجمع کنند و بیانیه بخوانند و نام دانشجویان بازداشت شده را اعلام کنند. همین اخبار تایید نشده حکایت از آن دارد که احتمالاً دانشجویان دیگری نیز به این جمع افزوده خواهند شد.

جهت اطلاع رسانی

نیروهای امنیتی با هجوم به منزل، خوابگاه و ... فعالان دانشجویی چپ، تعدادی از دست اندرکاران فراخوان اعتراض دانشجویی که قرار بود روز ۱۳ آذر در دانشگاههای کشور برگزار شود را ربودند.

به نظر می رسد بازداشت های گسترده این چند روز به دلیل اعلام برگزاری روز دانشجو (در روز ۱۳ آذر) در دانشگاه تهران و بعضی دانشگاههای دیگر صورت گرفته باشد. پیش از این دانشجویان چپ دانشگاه های تهران، در بیانیه ای اعلام کرده بودند که تجمعی را با عنوان "نه به جنگ، دانشگاه پادگان نیست" روز ۱۳ آذرماه درمقابل دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزار خواهند کرد. گفتنی است هم اکنون شمار دانشجویان

بازداشتی در تهران، حداقل به ۳۰ تن رسیده است. از دانشگاههای چمران اهواز، فردوسی مشهد، رشت، کردستان، بابلسر و چند شهر دیگر نیز اخبار دستگیری فعالان دانشجویی دست اندرکار برگزاری این اعتراض، وسیعاً می رسد.

این آدم ربایها پاسخ خواهد گرفت! دستگیری فعالین دانشجویی فقط نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی چندین ماه است از ترس این روز خواب به چشمش نرفته است.

ما فردا حضور داریم و مراسم روز دانشجو را برگزار می کنیم از همه آزادیخواهان می خواهیم در این مراسم شرکت کنند.

اسامی شماری از دستگیر شدگان:

نویسه آزادفر
الناز جمشیدی
احسان آزادفر
مهدی گرایلو
نادرا حسینی
سعید حبیبی
میلاذ معینی
بهرنگ زندی
یاسر پیر حیاتی
پریسا نصر آبادی
محسن غمین
بابک پاشا جاوید
بهزاد موسوی
و محمد یوسف رشیدی
امیر سلیمی ها
ارش پاکزاد
حسن معارفی

ارتجاع ننگت باد

ننگت باد

شب سه شنبه ۱۶ آذرماه، نیروهای ساواما به خانه ی شخصی دانشجویان در بابلسر حمله نموده و پنج نفر را دستگیر نمودند. بنا به اخبار رسیده بهرنگ زندی-میلاذ معینی و حامد محمدی هنوز در بازداشت به سر می برند. رژیم ایران با ربودن این دانشجویان قصد ایجاد فضای رعب و وحشت در دانشگاه مازندران را دارد تا از برگزاری هرگونه مراسمی به مناسبت ۱۶ آذر در این دانشگاه جلوگیری شود. فعالین چپ انقلابی این حرکت رژیم را محکوم نموده و خواستار آزادی فوری این دانشجویان می باشد. از تمامی نیروهای پیشروی مازندران که هنوز به اسارت دشمن در نیامده اند درخواست مقاومت نموده

جمعی از فعالین چپ انقلابی

آزیر می کشد.

ودراتاقهای جراحی مقاومت می کند.

در سردخانه ها

تقویم انقلاب را ورق می زند

وحجم بیمارستانها را می ترکاند

موج خروش و خشم و جنازه

در چهارسوی ایران

می پراکند.

شهر و مریضخانه و گورستان

آگاهی را

برشانه های تاریخ

می گردانند

مردم جنازه هارا می گردانند

و گوشتها و چربیها

در پیش روی سوگواران می رقصند.

میلاذ حاکمیت جهل و تفنگ دردانشگاه

جشن گرفته می شود

وشانزده آذر

در خیابان آگاهی

مقاومت می کند

۷ آذر ماه ۱۳۸۶

بمناسبت سالگرد قتل های زنجیره ای
شعری از زنده یاد محمد مختاری

ورگبار هجوم جهالت را در تاریکی

وحجم بیمارستانها را می ترکاند

ترسیم میکنند

رگبارها صدای دانشگاه را
نمی شنوند

موج



شانزده آذر

در سینه تکامل سنگر میگیرد

شانزده آذر

در روزهای اول اردیبهشت

مقاومت میکند

«جراحی بزرگ» را تدارک دیده اند

و گوشتها و چربیها را به حرکت درآورده
اند

قداره ها براه

افتاده اند

دیوارها و میله ها را هم میشکنند

«جراحی بزرگ»

روز ستوه آمدن از مغز را

اعلام میکنند.

روز هراس امنیت

از اطاق کو،

روز هراس ابتدال

از کارگاه هنر

روز هراس سرمایه

از دفاتر دانشجویی

سرمایه های آمریکائی

جهل و تنفگ را برادر خطاب میکنند

رگبارها مسیر مردم را
نمی بینند

رگبارها کلاسها را درو
میکنند

و خون بیدار

از رگهای دور و نزدیک

شتک می زند
خون

از دهام شرارت را دور میزند.

خون در پیاده روها براه می افتد

در کارخانه ها براه می افتد

در مدرسه ها به راه براه می افتد

در چهارراه ها به بحث
می ایستد

در کوچه و خیابان مردم را به پرسش
و امیدارد

در آفتاب می درخشد و پاسخ می گوید

در سایه بحث می کند و موج میزند

در چشم ها زبانه میکشد

در آمبولانسها

آزیر می کشد.

و در اتاقهای جراحی مقاومت می کند.

در سردخانه ها

تقویم انقلاب را ورق می زند

و جنازه

در چهارسوی ایران

می پراکند.

شهر و مریضخانه و گورستان

آگاهی را

برشانه های تاریخ

می گردانند

مردم جنازه هارا می گردانند

و گوشتها و چربیها

در پیش روی سوگواران می رقصند.

میلاد حاکمیت جهل و تنفگ در دانشگاه

جشن گرفته می شود

و شانزده آذر

در خیابان آگاهی

مقاومت می کند

محمد مختاری و محمد جعفر پوینده
و خروش و خشم

اگر در آسایشی تنها به این خاطر است که نوبت تو فرا نرسیده است. فاشیسم از مقعد سخن می گوید و با مقعد شما سر و کار دارد. حالا می خواهید چه کار کنید؟

فاشیسم درونی ترین هسته ی جامعه طبقاتی را آشکار می سازد: آدم خواری. وقتی در سال ۱۹۳۹ فاشیسم اسپانیای سرخ را سر می پرید، سکوت بی شرمانه ی دول اروپایی آرامش کاذبی بوجود می آورد. اما آنها در آسایش بودند فقط بدین خاطر که نوبت خود آنها فرانسیده بود.

بنیان اندیشه ی آریایی مبتنی بر مقعد پرستی است. آنها (یونانیان) با استفاده از درونی کردن همجنسگرایی و پدوفیلی، جامعه طبقاتی خود را بنا کردند. سولون در اشعار خود عشق ورزی با پسران را یکی از بهترین مواهب زندگی و در ردیف ورزش و عشق ورزی با زنان می داند. این عادت اشراف یونان باستان بوده است. نیچه و هایدگربا ستایش از عصر قهرمانی یونان، انسان فرومایه ی دولتشهر اتنی را رها می کنند. فراروی از ایده ی دولتشهر، فراروی از جامعه ی مبتنی بر تحقق ارزش مصرف است. اما قرن ها بعد جامعه طبقاتی اندیشه یهودی را به عنوان ایدئولوژی بنیادین خود پذیرفت. در این اندیشه برخلاف اندیشه ی آریایی، علاوه بر فراروی، "عقده ی سرزمین موعود" هم وجود دارد یعنی ایده تحقق ارزش مصرف. اولین بار نطفه های جامعه مبتنی بر تحقق ارزش مصرف در اندیشه یهودی نضج یافت.

آدورنو در دیالکتیک روشنگری سعی می کند بر دلیل نفرت عمومی از یهودیان

است. در اینجا بر روی اندام که نماد شهوت و ارزش مصرف است، نشانی از امر اجتماعی برجای می ماند. این به نوعی نشان گذاری ایده ی تحقق ارزش مصرف است.

نبرد یهودیان و آریایی ها تنها تخیلات حزب نازی نبود، فاشیسم می خواهد جامعه طبقاتی را از ایده ی تحقق ارزش مصرف پاک کند. به همین خاطر به روابط پدر= رهبر و توده اهمیت می دهد تا درام اودیپی را بازسازی کند. با ایده ی اردوگاه کار اجباری می خواهد هرگونه ایده ی "انسان سبت" و "انسان فراغت" را از بین ببرد. بهترین راه برای تشخیص فاشیسم اسطوره جانومه و سالوی پازولینی است. یا بهتر بگوییم بهترین راه برای تشخیص فاشیسم، پدوفیلی است. در ایران، صوفیان، عرفا و سپس ملاها، تلاش کردند جامعه طبقاتی را بر اساس درونی کردن روابط پدوفیلی بازسازی کنند. از این رو ایرانیان برخلاف عربها که همچنان ساده و قبیله ای باقی ماندند، نطفه ی فاشیسم را در درون خود پروراندند. در آینده آنها یک قتل عام اجتماعی را تجربه خواهند کرد.

آته ئیسم

حق زندگی هیچگاه بدون حق مبارزه بدست نیامده است. این حرف بیش از همه در مورد آته ئیسم صادق است. مذهب تجسم حیات روانی بنده ی جامعه طبقاتی است، بنابراین تا زمانی که جامعه طبقاتی وجود دارد، ریشه های آته ئیسم همیشه سست خواهد بود. آته ئیسم بدون کمونیسیم، نفی زندگی بر اساس باور به خداست، اما نه بدون باور به پدر، به حاکم، به ارباب، به سرمایه دار، به وجدان، به ایده آل. بنابراین آته ئیسم در جامعه طبقاتی همیشه زیر سایه ی خدا زندگی می کند.

ادامه در صفحه ۸

تفحص کند. اما به چیز به درد بخوری دست نمی یابد. یهودیان فقط قربانیان دم دست نبودند. موجوداتی که به خاطر غیرقابل تشخیص بودنشان، مانند جن در جامعه ی ما نفوذ می کنند و صاحب ثروت و ارزش مصرف ما می شوند. آنها موش هستند. موش موجودی است که در سوراخها می خزد و تنها در این اندیشه است که چیزهای مصرف کردنی را به سوراخش ببرد. دلیل نفرت اصلی حاکمین جامعه طبقاتی از یهودیان، دلیل نفرت اخوندها هم همین یک چیز است: در اندیشه ی یهودی، ایده ی تحقق ارزش مصرف در همین دنیا یعنی عقده ی سرزمین موعود وجود دارد. این ایده ی خطرناکی برای جامعه طبقاتی است. به همین خاطر آنها بنیاد از یهودیان متنفر اند. چرا یهودیان آواره بودند و قرن ها نتوانستند جامعه طبقاتی بنا کنند؟ چرا آنها تاجران خوبی هستند؟ چرا اکثرشان کمونیست های پرشور و نابغه هستند؟ چرا اسپینوزا یهودی بود؟ چون ایده ی تحقق ارزش مصرف در آنها وجود دارد. چون آنها عقده ی سرزمین موعود دارند و این چیزی است که مسیحیان و مسلمانان مثل سگ از آن می ترسند.

انسان یهودی، "انسان سبت" است. "انسان سبت"، انسانی است که نباید در روز تعطیل، روز شنبه یعنی روزمقدس کاری بکند، انسانی که از بی کاری و بطالتی تقدیس یافته ساخته شده است. در این حرف ایده ی ساخت انسان از ارزش مصرف وجود دارد. ایده ای که البته به خاطر کیفیات خاص انسان سبت تحقق نمی یابد. ختنه کردن هم از رسم های یهودیان است که مسلمان ها کش رفته اند. این نشان گذاری برای این نبود که فرد به عنوان یک یهودی شناخته شود چون اصولاً این شاخص به درد بخوری برای تشخیص خودی از غیرخودی نیست. مسلمان ها با تلاشی بی فایده از این راه برای درون ماندگاری ازدواج میان خودشان استفاده می کنند. اما ختنه کردن نوعی نشان گذاری دیگر

آته نیست ها عادت دارند بگویند من کاری ندارم خدا وجود دارد یا نه، من بدون فرض وجود خدا هم می توانم زندگی کنم و زندگی سعادت مندی هم خواهم داشت. اما چنین فردی متوجه نیست اگر خدا وجود هم نداشته باشد سلطه اش حتما وجود دارد و تحت این سلطه سعادت در کار نخواهد بود. مذهب تنها باوری کذب در ذهن انسانها نیست، مذهب آن باوری است که می توان حقارت زندگی در جامعه طبقاتی را درونی کرد، تحمل کرد و حتی به خاطر آن مرد. پس یک مبارزه ی واقعی وجود دارد، نه حیات مشترک عقاید آزاد. آته ئیسم بدون کمونیسم، تنها یک تیسم بدون خداست.

خداشناسی اسپینوزا در مقابل خداشناسی سنتی نوعی آته ئیسم است چون او برای اولین بار جسمانیت و مادیت را صفت خدا دانست و



دوگانگی بنیادین فلسفه ی غرب یعنی دوگانگی روح / ماده، ذهن / عین را دچار سرگیجه کرد. شاید این فلسفه ی پر از تسامح برای برخی از معاصرین جذاب باشد اما آته ئیسم کنونی اروپا نیز همچنان در حد همان خداشناسی اسپینوزایی باقی مانده است. هیچ گسست بنیادینی در کار نبوده است. همزمان با مادی شدن خدا، جامعه طبقاتی نیز صورت جسمانی و اینجهانی سرمایه داری را یافت. پس آته ئیسم بدون کمونیسم قطع کردن یکی از نه سر هیدراست. برخی می گویند می توان با عقاید مختلف در کنار هم زندگی کرد. بله می توان اما به شرطی که قبلا برخی از این عقاید در شیوه ی زندگی و نظام اجتماعی ما نفوذ نکرده باشد و به همین خاطر ما همیشه از پیش مجبور به انتخاب

آنها نباشیم. بورژوازی عادت دارد همه چیز را سطحی و کم مایه ملاحظه کند پس آته ئیسم واقعی مجبور است که تنها با مبارزه کردن وجود داشته باشد آته ئیسمی که ته ئیسم همسایه اش باشد، همانقدر می تواند آنرا را دوست بدارد که دهقان قصر اربابی همسایه اش را.

مارکس برای علمی کردن سوسیالیسم انگشت روی تفاوت های بنیادین سرمایه داری با نظم کهن گذاشت، اما تفاوت ها به اندازه ی تشابهات نیست. استراتژی درست از نظر من (و اینجا مسئله فقط بر سر استراتژی است) تاکید بر روی تداوم جامعه طبقاتی به صورت سرمایه داری است به همین خاطر من به درستی و مداوما از واژه ی جامعه طبقاتی استفاده می کنم. یک نمونه آنکه سکولاریسم را بیشتر باید تداوم مذهب به یک صورت خاص بدانیم تا تفاوت بنیادین در ماهیت اش. تاکید بر تشابهات و بازتولید قواعد و اسطوره های کهن استراتژی درستی است که باید به مارکسیسم

افزود نه آنکه بخواهیم از روی عادت و تن پروری ذهنی به تفاوت گذاری های مبالغه شده ی مارکس وفادار بمانیم.

قضایی

امین

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

فکس اتحاد فدائیان کمونیست
+۹۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org